

خرسندی کابل از هشدار پاکستان به طالبان



سخنگوی وزارت امور خارجه افغانستان اعلام کرد که هشدار پاکستان برای طالبان به منظور دست برداشتن از جنگ، در راستای تعهدات اسلام آباد در امر مبارزه با تروریسم است. شکیب مستغن روز سه شنبه در کنفرانس مطبوعاتی در کابل به خبرنگاران داخلی و خارجی گفت: این هشدار پاکستان برای طالبان مسلح افغان که باید عملیات بهاری‌شان را متوقف سازند بخشی از تعهدات اسلام آباد به منظور مبارزه مشترک با تروریسم است.

مستغنی افزود: سفر اخیر مقامات... ادامه صفحه ۶

باید در شش ماه آینده لویه جرگه اضطراری برگزار شود



صفحه ۳

برخی اعضای شورای ملی:

استانکزی ارتش را فرو می‌پاشاند

هارون مجیدی

معصوم استانکزی از تمام جهات یک فرد مناسب و شایسته برای وزارت دفاع ملی نیست. شماری از اعضای شورای ملی با بیان این مطلب می‌گویند که رییس‌جمهوری با معرفی آقای استانکزی به وزارت دفاع، به دنبال خشنود ساختن برخی کشورهای همسایه بوده است. عبدالودود پیمان از اعضای مجلس گفت که در وزارت دفاع ملی برخی شخصیت‌ها و چهره‌های مسلکی وجود دارند که با معرفی آن‌ها می‌شود افغانستان را از شرایط بحرانی امروز نجات داد و برای ارتش روحیه و انگیزه خلق کرد. آقای پیمان باور دارد که معرفی معصوم استانکزی در



پست وزارت دفاع سبب چند دسته‌گی در درون ارتش می‌شود و در نهایت ارتش فرو خواهد پاشید. اما برخی دیگر از اعضای مجلس می‌گویند که در خصوص اتهاماتی که بر استانکزی وجود دارد، باید

دادگاه فیصله کند و تا اکنون پرونده او دادگاهی نشده است. استانکزی از سوی برخی اعضای جمعیت اسلامی متهم به قتل رهبر این حزب است. محمد اشرف غنی رییس‌جمهور کشور پس از زدویندهای زیاد اخیراً معصوم استانکزی را به حیث سر پرست وزارت دفاع و نامزد این وزارت معرفی کرد. معصوم استانکزی برای کسب کرسی وزارت دفاع نیازمند رأی اعتماد مجلس نماینده‌گان است و تا اکنون مشخص نیست که مجلس چو زمانی به وی صندوق خواهد گذاشت. عبدالودود پیمان عضو مجلس نماینده‌گان به روزنامه

وزرا برنامه‌های صدروزه‌شان را توضیح می‌دهند



حکومت افغانستان ارایه توضیحات در مورد برنامه‌های صد روز نخست فعالیت وزارت‌خانه‌ها را آغاز کرده است. این در حالی است که هشت ماه از شروع کار حکومت وحدت ملی می‌گذرد. محمد اشرف غنی رییس‌جمهور افغانستان در نخستین روز آغاز این برنامه از مردم، نهادهای مدنی و رسانه‌ها خواست تا در هر ۲۵ روز تطبیق برنامه‌های صد روزه وزیران را نظارت کنند و موفقیت‌ها و ناکامی‌ها آن‌ها مشخص کنند. رییس‌جمهور افغانستان گفت هدف اصلی برنامه‌های وزارت‌خانه‌ها برآورده کردن خواست‌های مردم است. هنوز دست‌آوردهای حکومت برای مردم محسوس نیست اما حالا با تکمیل شدن کابینه، مقام‌ها تصمیم گرفته‌اند تا به صورت جدی فعالیت‌های دولت‌داری را آغاز کنند. رهبران حکومت وحدت ملی می‌گویند مردم نمی‌توانند منتظر پلان‌های پنج ساله بنشینند بنابراین باید تعهدات مشخص باشند. رییس‌جمهور غنی روز سه شنبه (۵ جوزا/ ۲۶ می) در نخستین روز آغاز تشریح برنامه صد روزه نخست در ارگ ریاست جمهوری گفت: «پلان صد روزه تعهدات مشخصی است که هر وزارت در قبال وظیفه‌اش باید برای ملت

ادامه صفحه ۶

هشدار والی کندز

از گسترش نفوذ داعش به شمال



والی کندز در شمال شرق کشور از گسترش نفوذ داعش در شمال افغانستان هشدار داد. محمد عمر صافی در مصاحبه با خبرگزاری اسوشیتدپرس گفته است که در برخی روستاها بیرق‌های سیاه داعش بلند شده است. این مقام محلی می‌گوید که گروه‌های سابق مجاهدین در کنار نیروهای امنیتی... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



افغانستان
به کدام مسیر
روان نیست؟



پایان
بازی



جیمز باند
پست مدرن!



آرایش
جدید تیم
ملی فوتبال
افغانستان

احمد عمران



افغانستان

به کدام مسیر روان نیست؟

آقای مسعود باور دارد که دولت فعلی به هیچ صورت مولفه‌های دولت وحدت ملی را ندارد و بیشتر به یک دولت ایتلافی شباهت می‌برد که میان دو تیم انتخاباتی به وجود آمده است. درست به همین دلیل، نشست آجندای ملی تصمیم گرفته است که ضمن آگاهی‌دهی از وضعیت موجود در افغانستان، تعهد خود به مردم و کشور را نیز در چهارچوب قوانین موجود انجام دهد

هشت ماه گذشته نشان داد که رهبران دولت چنان در زدوبندهای سیاسی خود غوطه‌وراند که حتا ساده‌ترین اتفاق‌های جامعه را نیز نمی‌توانند ببینند. اما پرسش مهم این جاست که برای حل مشکلات فعلی چه راهکاری را باید در نظر گرفت و به کدام شیوه‌ها توسل ورزید؟ شرکت‌کننده‌گان نشست آجندای ملی که بدون شک از میان نخبه‌گان جامعه‌اند، به این باور اند که برای حل چالش‌های موجود نمی‌توان راهکارها و گزینه‌های زیادی را در برابر خود قرار داد. گزینه مهم از نظر این آگاهان، برگزاری لویه جرگه است که بتواند با ایجاد تغییرات در قانون اساسی کشور، نظام فعلی را به نظامی پاسخ‌گو و متعهد به آرمان‌های شهروندان تبدیل کند.

مشارکت سیاسی شهروندان وقتی به صورت واقعی در نظام تمثیل شود، بدون شک می‌تواند پیامدهای بزرگی را در پی داشته باشد. تأمین امنیت و ایجاد صلح پایدار، از دستاوردهای چنین مشارکتی خواهد بود؛ چیزی که دولت فعلی و دولت پیشین در طول سیزده سال موفق به تأمین آن نشدند. حالا یک تصمیم کلان و یک پرسش اساسی در برابر نخبه‌گان کشور قرار گرفته و آن: رسیدن به اجماع ملی برای ایجاد تغییرات وسیع آن‌گونه که به تشکیل دولت وحدت ملی به معنای واقعی کلمه بینجامد. زیرا در وضعیت فعلی، پرسش نشست آجندای ملی را به این صورت باید تغییر داد که «افغانستان به کدام مسیر روان نیست؟»

بودند که باید برای رفع چالش‌های موجود، دست به اقدام‌هایی بزنند که در توافقیات سیاسی بر آن تأکید رفته است. اصلاح نظام انتخاباتی و فراخواندن لویه جرگه به هدف تغییر نظام، از تعهدات اصلی سران دولت بود که بتواند فضای کشور را از رخوت سیاسی نجات دهد و دوباره مشارکت شهروندان را در تمام عرصه‌ها برانگیزد. اما در طول بیشتر از هشت ماه گذشته، نه تنها مشکلات کشور کاهش نیافته، که ابعاد تازه‌تر و گسترده‌تری نسبت به گذشته یافته است.

نامی و رکود اقتصادی، از مهم‌ترین چالش‌هایی است که افغانستان را به لبه پرتگاه نزدیک کرده است. دولت جدید در هشت ماه گذشته، عمدتاً به چانه‌زنی و تقسیم قدرت میان اعضای خود مصروف بود؛ روندی که با کندی انجام شد و هنوز هم سران دولت نتوانسته‌اند در تقسیم پست‌های دولتی موفقیت چندانی از خود نشان دهند. اگر وضعیت به همین منوال ادامه پیدا کند، بدون شک بیم وخیم شدن و خارج شدن اوضاع از کنترل بیشتر می‌شود. این نگرانی به گونه روشن در سخنان شرکت‌کننده‌گان نشست «افغانستان به کدام مسیر روان است؟»، بازتاب یافته بود.

نشست «افغانستان به کدام مسیر روان است؟» تأکید می‌ورزد که برای بیرون‌رفت از بحران موجود، نمی‌توان تنها به نصیحت و مشوره‌دهی به رهبران فعلی بسنده کرد؛ زیرا برای شنیدن حرف‌های صواب، گوشی شنوا وجود ندارد. از سویی هم، به باور سخنرانان، بی‌تفاوتی در برابر وضعیت موجود می‌تواند پیامدهای خطرناکی در پی داشته باشد و یکی از این پیامدها، برگشت کشور به وضعیت گذشته خواهد بود.

حل مشکلات فعلی، به تعهد و اندیشه نیاز دارد و نمی‌توان مدیریت کشور را به عهده داشت و هم‌چنان به شعارهای دوران انتخابات بسنده کرد. دولت‌مردان فعلی هرچند زمان کوتاهی در اختیار داشته‌اند، اما همین زمان کوتاه نیز می‌تواند گواه عدم درک دقیق آن‌ها از اوضاع کشور باشد. شاید در روزهای نخست شکل‌گیری دولت فعلی، این امیدواری به وجود آمده بود که دولت فعلی با توجه به درک لازم از مشکلات کشور، بتواند از کل نیروهای دل‌سوز و نخبه در جهت مدیریت سیاسی کشور استفاده ببرد، ولی

«افغانستان به کدام مسیر روان است؟» این پرسش را که در وضعیت دشوار کنونی، نشست آجندای ملی «وجه همت خود قرار داده، بدون تردید می‌توان از پرسش‌های کلیدی در کشور به حساب آورد. این پرسش که در نشست روز دوشنبه «آجندای ملی» به ابتکار احمدولی مسعود رییس بنیاد شهید و امور ایثارگران مسعود و طراح برنامه ملی مطرح شد، پرسشی از سر درد و مسوولیت می‌تواند باشد. افغانستان پس از هشت ماه از سوی رهبران نام وحدت ملی، به این سوال دوباره بازگشته که کشور در وضعیتی نابه‌سامان‌تر از گذشته قرار دارد و نمی‌توان همین‌گونه دست روی دست گذاشت و شاهد فروپاشی و از دست رفتن دستاوردهای بیشتر از یک دهه بود. آقای مسعود در سخنرانی خود در این نشست، خواهان برگزاری لویه‌جرگه و تغییر نظام از ریاستی به پارلمانی شد که بتواند به نیازهای موجود کشور پاسخ دهد. آقای مسعود باور دارد که عمر هشت‌ماهه دولت وحدت ملی موجود نشان داد که این دولت هیچ دستاورد ملموسی در راستای برآورده کردن خواست‌های مردم نداشته است. آقای مسعود می‌گوید که دلیل این امر، در ماهیت دولت وحدت ملی نیست، بل ریشه در مدیریت اوضاع دارد.

در همین حال، آقای مسعود باور دارد که دولت فعلی به هیچ صورت مولفه‌های دولت وحدت ملی را ندارد و بیشتر به یک دولت ایتلافی شباهت می‌برد که میان دو تیم انتخاباتی به وجود آمده است. درست به همین دلیل، نشست آجندای ملی تصمیم گرفته است که ضمن آگاهی‌دهی از وضعیت موجود در افغانستان، تعهد خود به مردم و کشور را نیز در چهارچوب قوانین موجود انجام دهد. این تعهد می‌تواند شامل گزینه‌هایی باشد که برای اصلاح نظام در قانون اساسی و دیگر قوانین نافذ کشور بازتاب یافته‌اند. قوانین موجود این اجازه را می‌دهند که نسبت به اوضاع کشور دست به اقدام‌هایی زد که بتوان به اصلاح وضعیت موجود دست یازید و کشور را از بحران نجات داد.

در حال حاضر، آن‌چه که نظام فعلی از آن رنج می‌برد، عدم پای‌بندی به تعهداتی است که رهبران دولت در توافق‌نامه سیاسی در پای آن امضا کرده‌اند. رهبران دولت فعلی توافق کرده

سخن ماندگار

هشدار پاکستان به طالبان تلکی دیگر است

رسانه‌های پاکستانی و رسانه‌های بین‌المللی نگاهشده‌اند که پاکستان از طالبان افغان خواسته به حملات خود در افغانستان پایان دهند.

اگر این خبر صحت داشته باشد، شاید نخستین گامی باشد که پاکستان برای افغانستان برمی‌دارد. اما با تأسف، شواهد و قراین زیادی وجود دارند که نشان می‌دهد پاکستان علاقه‌ی به ایجاد فشار بر طالبان افغانی ندارد و این خبر می‌تواند یک عمل عوام‌فریبانه باشد.

گزارش‌ها می‌رسانند که دولت پاکستان به گروه طالبان افغان هشدار داده است که اگر عملیات بهاری خود در خاک افغانستان را فوراً متوقف نسازد، باید منتظر عواقب آن باشد. بر بنیاد گزارش‌های رسانه‌های پاکستانی، این پیام از طریق واسطه‌هایی به رهبری طالبان افغان منتقل شده و ریاست‌جمهوری افغانستان در این جریان قرار دارد.

برحسب تأیید این خبر، هنوز معلوم نیست که پاکستان چه برخوردی با طالبان افغانی خواهد داشت، اما زمان و فرصت نشر این خبر نشان می‌دهد که پاکستان صرفاً از سر ضرورت این خبر را اشاعه داده است. اکنون که بحث امضای تفاهم‌نامه استخباراتی میان دو کشور با واکنش‌های شدید در افغانستان مواجه شده، نشر این خبر می‌تواند چنین وانمود سازد که همکاری پاکستان در زمینه ایجاد ثبات در افغانستان صادقانه است و تفاهم‌نامه استخباراتی با پاکستان تأمین‌کننده منافع افغانستان نیز می‌باشد.

اگر چنین نیست، می‌بایست پاکستان با روش‌های گونه‌گون و در فرصت‌های متفاوت، طالبان را صدمه می‌زد و دست‌کم محل اختفای ملاعمر را افشا می‌کرد. از طرف دیگر، نفس این خبر نشان می‌دهد که گفت‌وگوهایی که زیر نام صلح با طالبان عنوان می‌شوند، به بار نشست و هشدار پاکستان عاملی است که طالبان را وادار به پذیرش روند صلح می‌کند. از سوی دیگر، پروژه طالبان به‌سان پروژه حکمتیار در سال‌های حکومت استاد ربانی در کابل پایان یافته و چنان‌که طالبان در آن‌زمان با رویکرد نو به‌جای حکمتیار و در امتداد همان پروژه وارد شدند، حالا طالبان نیز با عین سرنوشت مواجه می‌شوند و جای آن‌ها را داعشیان - به عنوان یک پروژه بزرگ‌تر و به‌روزتر - پر می‌کنند.

در عین حال، شدت گرفتن حملات انتحاری، انفجاری و جبهه‌یی طالبان در مناطق مختلف کشور نشان می‌دهد که آن‌ها تلاش دارند تا در این شب و روزها امتیازهای بیشتری به‌دست آورند و خود را به عنوان یک طرف قدرت در افغانستان تعریف و تثبیت کنند و به‌نحوی وارد ساختار نظام شوند.

مسئلاً اشتراک طالبان در قدرت سیاسی، از نیازهایی است که آقای غنی مطرح کرده و پاکستان نیز می‌تواند با چنین نقشه‌یی به اهداف اساسی خود در افغانستان دست یابد. اما آن‌چه برای پاکستان جای نگرانی دارد این است که قوت گرفتن گروه داعش در افغانستان، پاکستان را نیز در معرض خطر و آسیب قرار می‌دهد. زیرا داعش با رویکردی بسیار بزرگ‌تر از طالبان و خارج از دایره کنترل و اثرگذاری پاکستان وارد بازی شده و ممکن است در درازمدت این کشور را با بحران روبه‌رو کند.

بنابراین، نشر این خبر که پاکستان به طالبان هشدار داده تا عملیات بهاری‌شان را متوقف کنند، حتماً در پشت سر خود حرف دیگری برای گفتن دارد و می‌تواند یک مقدار ذهنیت‌های عامه را به بازی بگیرد. پاکستان شاید به‌خاطر حفظ این تفاهم‌نامه استخباراتی و تطبیق مواد تعیین‌شده در آن، دست به هر اقدام نمایشی بزند؛ اما مردم افغانستان امروز به‌خوبی نیت خطرناک این همسایه جنوبی را می‌فهمند و از مقام‌های دولت وحدت ملی نیز انتظار دارند که فریب این‌گونه حرف‌ها را نخورند.

باید در شش ماه آینده لویه جرگه اضطراری برگزار شود



"افغانستان به کدام مسیر روان است"، عنوان نشست جمع بزرگی از نخبه‌گان کشور پیرامون وضعیت نگران‌کننده جاری بود که روز دوشنبه هفته جاری از طرف کنفرانس آجندای ملی در کابل برگزار گردید. در این نشست، نخبه‌گان سیاسی و تحلیلگران، ۹ ماهه‌گی دولت وحدت ملی را به نقد و بررسی گرفتند و نگرانی‌های خود را از ناحیه بازی کلان و پروژه بزرگ، موج افراط‌گرایی، پدیده نوظهور داعش، نقش آی‌اس‌ای و موقعیت نامعلوم افغانستان ابراز داشتند. نقش برجسته نخبه‌گان کشور در معادلات جاری نیز مورد گفت‌وگو قرار گرفت. اشتراک‌کننده‌گان این کنفرانس ضمن تأکید بر تقویت نظام اما تغییرات در نحوه حکومت‌داری، تطبیق مو به موی تفاهم‌نامه اما دعوت لویه جرگه اضطراری در مدت شش ماه، به ضرورت تهیه یک استراتژی مدون ملی در چارچوب آجندای ملی، سرتاسری ساختن کنفرانس‌های دائم‌الفعال آجندای ملی، تشخیص مشکلات و یافتن راه حل‌ها و سایر مسایل ملی پرداختند.

آقای احمدولی مسعود نخستین سخنران در این نشست بود. متن سخنرانی وی را در ادامه می‌خوانید.

بسم الله الرحمن الرحيم

با سپاس فراوان از تک‌تک شما فرهیخته‌گان، اندیشه‌ورزان و نخبه‌گان که به دعوت ما لیبیک گفتید و تشریف آوردید تا بتوانیم نگرانی‌های مردم افغانستان را با شما در میان بگذاریم و روشن‌گر بسا مسایلی باشیم که امروز دامن‌گیر ما شده است.

البته این بار اول نیست که ما چنین مجالسی را برگزار می‌کنیم، بلکه چندین سال است که مسایل و نگرانی‌های ملی افغانستان را دنبال می‌کنیم و هر بار که این مسایل و نگرانی‌ها بیشتر شده، از شما دوستان برای اشتراک در این گفت‌وگوها دعوت کرده‌ایم. یک بار دیگر از تشریف‌آوری شما سپاس‌گزار می‌کنم.

به یاد داشته باشیم که تقریباً دوازده سال پیش، طرح مختصری را زیر نام «آجندای ملی» پیشکش حکومت وقت کرده بودیم. در آن‌زمان زیر نام «بیاید با هم به صلح، ثبات ماندگار و به مفاهمه ملی برسیم»، آجندای مختصری را ارایه داشتیم؛ در همان زمان این جمله درشت را نیز اضافه کرده بودیم که صلح نسبی‌یی که در افغانستان آمده، مدیون حضور نیروهای خارجی در افغانستان است و اگر ما و شما و رهبران افغانستان تلاش نکنیم و دست به دست هم ندهیم و مسایل را در میان هم حل نکنیم، فردا به مشکلات دچار خواهیم شد. دقیقاً از آن روز تا حال دوازده سال می‌گذرد و امروز شاهد مشکلات فراوان هستیم.

حتا سه سال پیش، همین طرح آجندای ملی را در مشورت با بسیاری از بزرگان از طریق کنفرانس‌های فعال، رأی‌زنی‌ها و نشست‌های مشورتی، خواستیم به شکل مدون به مردم و دولت افغانستان ارایه کنیم تا بتوانیم از طریق این طرح به وحدت و تعهد برسیم. اما انتخابات ۲۰۱۴ از راه رسید و هیأت کنفرانس آجندای ملی، بین خود نشستند و به این نتیجه رسیدند که از دل آجندای ملی، طرح دولت وحدت ملی را برای مردم ارایه کنند و به همین نسبت، با نامزدان محترم انتخابات در تماس شدیم و توافق اکثر نامزدان محترم را در تشکیل دولت وحدت ملی حاصل کردیم.

البته طرح دولت وحدت ملی پیشنهادی ما، طرحی بود به‌خاطر جلوگیری از بحران و به‌هدف موفقیت انتخابات، دموکراسی و به‌خاطر این‌که بتوانیم در ابتدا در یک چهارچوب اصولی بین خود به توافق برسیم و سپس هر کسی که برنده شد، بیاید و طرح دولت وحدت ملی را پیاده سازد. این‌گونه هم انتخابات موفق می‌شد، هم مشروعیت به‌دست می‌آمد، دموکراسی موفق می‌شد و هم مردم مایوس نمی‌شدند. اگرچه اکثر نامزدان توافق کردند، اما زمانی که انتخابات به دور دوم رفت و میان دو نامزد میانجیگری کردیم، متأسفانه بنا به هر ملحوظی که بود، این‌ها قبول نکردند و یا تحویل نگرفتند تا این‌که کشور دچار بحران شد.

زمانی که آقای جان کری آمد و نسخه دولت وحدت ملی را به این‌ها پیشنهاد کرد، بحران از راه رسیده

بود و آن‌ها دولت فعلی را فقط برای گریز از بحران تشکیل دادند. در حالی که طرح ما، پیش‌بینی بحران و جلوگیری از آن بود.

طرح ما، یک طرح بومی و افغانی بود؛ طرحی که طی نشست‌ها، کنفرانس‌ها و سمینارها از نظریات نخبه‌گان افغانستان بهره برده بود و یک توافق نخبه‌گانی را با خود حمل می‌کرد. اما زمانی که کشور به بحران رفت، از این طرح به‌صورت ناقص - صرفاً برای گریز مقطعی از بحران - برداشت صورت گرفت؛ چنان‌که امروز که تقریباً ۹ ماه از زمان اعلام دولت وحدت ملی می‌گذرد، ماهایی که طراح دولت وحدت ملی هستیم، قطعاً تشکیل دولت وحدت ملی را نمی‌بینیم. بنابراین، وقتی برخی از تحلیلگران قضاوت می‌کنند که دولت وحدت ملی در افغانستان کارایی دارد و یا خیر؛ تعجب می‌کنم، زیرا اصلاً دولت وحدت ملی به معنای حقیقی شکل نگرفته است. دولت وحدت ملی ویژه‌گی‌هایی در هر سه قوه دارد که دولت فعلی فاقد آن‌هاست. حتا بخش اجرایی آن را ببینید که جدیداً یک نفر را به حیث نامزد وزارت دفاع برای تکمیل کابینه معرفی کرده‌اند که تا حال رأی اعتماد نگرفته. یعنی پس از ۹ ماه تا هنوز یک پایه دولت وحدت ملی تکمیل نشده و قسمتی هم که تکمیل شده، نامتعادل است. بخش پارلمان و بخش قضا نیز در جای خود مانده. هر روز دعوا و تنش است که چه کسی در رأس کمیسیون اصلاح انتخاباتی باشد.

تصور کنید چه‌قدر زمان می‌برد که در این مورد توافق شود و کمیسیون بیاید و اصلاحات قانونی صورت بگیرد و بعد به طرف انتخابات برویم و نماینده‌گان جدید انتخاب شوند و دوره دیگر پارلمان آغاز گردد تا سرانجام یک پایه دیگر دولت وحدت ملی تشکیل شود. به همین‌گونه بخش‌های دیگر آن را تصور کنید. بنابراین، دولت وحدت ملی هنوز تشکیل نشده، مشکلات امنیتی و قوت دشمن افزایش یافته است و بررسی مردم از دموکراسی و انتخابات، قناعت‌بخش نیست. در عین حال در بُعد اقتصادی، در دوران کمپاین انتخابات بارها گفته شده بود که ما سر دسترخوان مردم نان می‌آوریم؛ اما در مدت ۹ ماه، نان از دسترخوان مردم گم شد و رفت. پس مشکل در کجا است و چرا چنین شد؟ مردم فکر می‌کردند که از یک حالت بد عبور کرده و به یک حالت بهتر خواهند رسید که مرحله گذار نامیده می‌شود؛ اما متأسفانه آن‌طور که شرایط را پیش‌بینی کرده بودیم، نشد.

یکی از مشکلات اساسی، مشکلات حکومت گذشته است که به میراث مانده و پابرجاست و حکومت فعلی آن را با خود حمل می‌کند. مسأله دیگر، چالش‌های جدید و نوظهور امنیتی است که مدیریت و رهبری لازم و متحدانه برای مقابله با آن‌ها وجود ندارد. انحصارطلبی‌ها و امتیازگیری‌ها، یکی دیگر از مشکلات فراراه حکومت فعلی است و مشکلات قانونی و حقوقی که تحلیلگران بارها به آن اشاره داشته‌اند نیز یکی دیگر از مشکلات عمده است.

شاید تصور بر این باشد که ما هنوز وقت داریم، اما باید به یاد داشت که مردم افغانستان و جهان وقت ندارند؛ زیرا دشمنان افغانستان از همه فرصت‌ها علیه ما استفاده می‌کنند و کار از کار می‌گذرد. موردی که نگرانی‌ها را شدیدتر ساخته است، لابی‌

بزرگ است و این بازی کلان، مردم را نگران ساخته که از کجا می‌آید و به کجا می‌رود و ما در کدام موقعیت قرار داریم. حتا اخیراً وزیر دفاع هند بعد از این‌که از پروژه معدن حاجی‌گک عقب‌نشینی کرد، این جمله را گفته که "اگر میان قدرت‌های دخیل در جنگ افغانستان توازن ایجاد نگردد، جنگ شمال بسیار خطرناک و مهیب خواهد بود".

درحالی‌که ما چنین مشکلاتی را در داخل دولت داریم و دولت این مشکلات را نمی‌تواند حل کند، پس این بازی بزرگ و این پروژه کلان چیست؟ ما در داخل افغانستان چندپارچه هستیم و در کنار آن اعتماد ملی وجود ندارد و در یک خلاء کامل به‌سر می‌بریم و در عین حال، در افغانستان و در ماحول قدرت‌های بزرگ و با برنامه، با منافع مشروع و غیرمشروع، برنامه‌های بسیار کلان دارند. با توجه به چالش‌ها و مشکلاتی که در داخل و در میان مردم داریم، تقابل قدرت‌ها در افغانستان نیز می‌تواند ما را قربانی سازد. امروز شما می‌بینید که حتا در مورد سیاست خارجی از درون دولت چندین صدا بیرون می‌شود و در سوی دیگر طالبان، داعش و ناامنی وجود دارد. ما چه‌طور باید با این مسایل برخورد کنیم تا در پایان راه، تمام این مشکلات مهار شود و ما زیر پای نشویم، قربانی نشویم و کشور ما میدان جنگ یا عقب‌جبهه دیگران نشود؟

پدیده نوظهور داعش که روزبه‌روز به واقعیت مبدل می‌شود و این موج افراط‌گرایی فزاینده، از کجا سرچشمه گرفته و این‌ها را کی‌ها و چه‌طور به شمال افغانستان آورده و امکانات‌شان را تأمین می‌کنند؟ این‌ها همه سوالاتی جدی و نگران‌کننده هستند؛ ما امروز وقت داریم که درباره این‌ها فکر کنیم و تصمیم بگیریم، شاید فردا خیلی دیر باشد!

موقف ما درباره این مسایل کلان چیست؛ موقف حکومت و شما اندیشه‌ورزان و کل مردم افغانستان چیست؟

نقش دیگران مشخص است؛ مثل نقش داعش، نقش طالب، نقش آی‌اس‌آی و نقش کشورهای منطقه و فرا منطقه. اما نقش افغانستان چیست و جایگاه افغانستان در این معادلات کجاست؟ چه کسی از افغانستان در قبال این معادلات نماینده‌گی می‌کند و در نبود اعتماد ملی، چه‌طور می‌توان به این نماینده‌گی اطمینان کرد؟ مبادا زیر پا شویم و نشود یک بار دیگر افغانستان پایمال جنگ‌های نیابتی منطقه‌یی و فرامنطقه‌یی شود!

«چه باید کرد؟»

این را شما باید بگویید و باید تمامی اندیشه‌ورزان و تأثیرگذاران به یک تفاهم و یک توافق برسند. کسانی که بازی می‌کنند و آدرس غلط می‌دهند و ملت را فریب می‌دهند، مسوول و مقصر اند. پس باید متوجه باشیم!

تشکیل دولت وحدت ملی همان‌طور که در گذشته گفتیم - با در نظر داشت شرایط افغانستان چه از دیدگاه تقویت روند دولت ملت شدن، چه از نظر مدل دموکراسی‌یی که در افغانستان داریم - یک ضرورت تاریخی بوده و است، و هیچ بدیل دیگری هم ندارد. زمانی که قضاوت می‌کنیم، نباید مشکلات را در «دولت وحدت ملی» جست‌وجو کرد، بلکه نحوه

کارکرد دولت‌مردان را باید مورد قضاوت قرار داد. زیرا دولت وحدت ملی در معنای حقیقی آن یعنی از بهترین‌ها، نیک‌نام‌ترین‌ها و خوب‌ترین‌های یک کشور بحران‌زده استفاده کرد تا به تدریج با ایجاد یک دیدگاه واحد، از بحران به سمت ثبات و پیشرفت رهنمون شد. آیا حکومت فعلی واجد این تعریف است؟!

پاسخ من منفی است، در حکومت نامتجانس موجود زیر نام نیک «وحدت ملی»، اعتماد لازم برای رسیدن به دیدگاه واحد ایجاد نشده، تیم‌ها با هم نیستند، دولت یک‌دست نیست و مردم همه نگران هستند. پس دولت وحدت ملی تقصیری ندارد، بل نحوه کارگردانی و حکومت‌داری مشکل دارد که باید اصلاح گردد.

شما بزرگانی که در این مجلس حضور دارید، یک چهارچوب کلان و یک نقشه راه ترتیب دهید و آن را عملی کنید. شما این توانایی را دارید، زیرا مسایل افغانستان را به‌خوبی می‌فهمید، پس نگذارید که دعوا تنها بر سر قدرت باشد و امتیازطلبی‌ها وقت افغانستان را گرفته و فرصت‌ها از دست برود.

ما باید هم در داخل افغانستان و هم در بیرون از افغانستان در خصوص تأمین روابط، آماده‌گی لازم را داشته باشیم و همین‌طور تحلیلی درست از اوضاعی که «بازی کلان» نام گرفته، داشته باشیم و موقعیت استراتژیک خود را بدانیم و بفهمیم که فقط یک دهلیز انتقال نیستیم که منتظر باشیم که چه کسی به حال ما رحم می‌کند. ما باید طرح‌ها و استراتژی‌ها را در راستای منافع ملی استفاده کنیم و نباید به پیمان‌ها تکیه کنیم و بگوییم که پیمان داریم و ان شاء الله هیچ اتفاقی نمی‌افتد.

زمانی که کشورهای دیگر میلیون‌ها دالر را به مصرف می‌رسانند و می‌خواهند در محور افغانستان منافع مشروع و غیرمشروع داشته باشند، پس یعنی افغانستان یک کشور مهم است و ما یک موقعیت استراتژیک داریم. پس کی و چه‌گونه برنامه‌های ما را دسته‌بندی می‌کند و آیا یک آجندای ملی داریم که این کار را بکند یا آجندای‌های گروهی و شخصی؟

چند وقت می‌شود که از کشورهای دور و نزدیک فقط افراد استخباراتی‌شان می‌آیند و می‌روند، ملت افغانستان اصلاً خبر نیست، اما زمانی که یک سند بیرون می‌شود، در میان دولت جنجال به میان می‌آید و تحلیلگران تعجب می‌کنند که از کجا شد و کی امضا کرد. مگر این امضا کردن در پشت سر یک ملت نیست، مگر پروسه ملی همین است و منافع ملی همین را ایجاد می‌کند؟ آیا مردمی که سالیان دراز زخم خورده‌اند، مستحق این هستند که در پشت سرشان امضا شود و زمانی که افشا شد، به گردن یک‌دیگر بیندازند؟

باید چهارچوب دولت وحدت ملی را درست بسازیم، همان تفاهم‌نامه‌یی که است را مو به مو عملی کنیم و تشکیل دولت وحدت ملی را به شکل واقعی آن عملی بسازیم تا یک حالت حکمی داشته باشد که هم آن عده از دوستانی که خواهان حکومت موقت‌اند و هم آن عده از دوستانی که می‌گویند دولت باید استمرار یابد؛ حرف هر دو طرف عملی شود و یک دولت وحدت ملی واقعی با معیارهای اصلی را داشته باشیم و برویم به طرف لویه‌جرگه‌یی که در تفاهم‌نامه است و یک‌وینیم سال بعد برگزار می‌شود. اما من فکر می‌کنم که یک‌وینیم سال بعد، ناوقت است و هر روز مردم ضربه این حالت را می‌بینند؛ از این‌رو باید در شش‌ماه آینده لویه‌جرگه اضطراری تشکیل شود که البته امکان آن نیز وجود دارد.

در لویه جرگه اضطراری باید مسایل ملی افغانستان را در یک گفت‌وگو قرار داده و به یک توافق جمعی برسیم و زمانی که نظام تثبیت شد، یک دولت وحدت ملی واقعی را با آرایش جدید بیآوریم. بنابراین شما فرهیخته‌گان باید یک استراتژی مدون را تهیه کنید و هم در تطبیق آن، قدم به قدم ایستاده شوید، یعنی نمی‌شود که به عنوان یک گروه فشار حرف بزنید و سپس عقب بنشینید.

با همکاری هم باید یک استراتژی تهیه کنیم و هم آنانی که در داخل نظام‌اند و هم آنانی که بیرون از نظام‌اند را با خود هم‌نوا و این استراتژی و نقشه راه را مو به مو تطبیق کنیم و دین تاریخی خود را ادا سازیم.

دیگر نباید بی‌تفاوت بود. ما هیأت آجندای ملی، ۹ ماه انتظار کشیدیم که ان شاء الله اوضاع بهبود می‌یابد؛ اما چنین نشد. بنابراین باید دست به کار شویم. اگر بتوانیم زیر چتر آجندای ملی، یک استراتژی مدون و نقشه راه ترتیب کنیم و تأیید بزرگان کشور را نیز به‌دست آوریم، به لطف خدا موفق خواهیم شد که افغانستان را یک‌پارچه حفظ کنیم و به مراحل پیشرفت و آبادانی گذار دهیم.

بخش دوم و پایانی



نقش مدیران خوب

در جذب استعدادها

نویسنده: Monique Valcour
مترجم: مینا افروزی

اصل پیتر را به یاد آورید. این عبارت برمی‌گردد به فرآیندی که در آن کارمندان به‌خاطر صلاحیت در شغل فعلی‌شان به عنوان پاداش، ترفیع می‌گیرند و به ترتیب شروع به رشد در شرکت می‌کنند تا جایی که دیگر قابلیت شایسته‌گی بیشتر را ندارند. عواقب پیش‌بینی‌شده این طرح این است که با گذر زمان شرکت انباشته می‌شود از مدیران نالایقی که در کارشان صلاحیت ندارند. مطمئناً شرکت شما نمی‌تواند از عهده این اتفاق بر بیاید.

برای پرورش کارکنان، لازم است کانون توجه خود را از «چه‌گونه می‌توانم کارایی عالی را از هر یک از اعضای تیم به دست بیاورم؟» به «چه‌گونه می‌توانم کارایی عالی را از هر یک از اعضای تیم به دست بیاورم؛ در حالی که به رشد آن‌ها هم کمک کنم» تغییر دهید. مدیران باهوش به‌خوبی می‌دانند که با کار کردن روی قسمت دوم سوال اخیر، می‌توانند به قسمت اول آن نیز پاسخ دهند.

مدیر خوب این سوال را می‌پرسد که «چه‌گونه قدرت‌ها، علاقه‌مندی‌ها و اشتیاق‌های کارمندان را در جهت ایجاد بهای بیشتر برای شرکت تحت کنترل درآوریم؟» ایجاد ارتباط سیستماتیک بین عمل‌کرد سازمانی و اهداف توسعه فردی برای یافتن فرصت‌های یادگیری و راه‌های بهتر برای کار کردن، نشانه سازمان‌هایی‌ست که شغل‌های پایدار در آن‌ها ایجاد می‌شود و این سوالی نیست که مدیران سعی کنند به تهایی به آن پاسخ دهند، بلکه در مورد آن به صورت پیوسته با اعضای گروه بحث می‌کنند.

چند روش برای برانگیختن انگیزه یادگیری و رشد

جزئیات اخبار مربوط به عمل‌کرد فعلی در سراسر شرکت را با اعضای تیم تقسیم کنید. درباره چالش‌ها و مسیر شرکت شفاف باشید؛ این امر شامل تغییر دادن انتظارات مشتری، رابطه‌های جدید فروشنده، نقشه‌های استراتژیک اولیه و تفکر رهبران برتر درباره تأثیر احتمالی گرایش‌های صنعتی و وضعیت اقتصادی نیز می‌شود. از آن‌ها بخواهید تا پرسش‌ها، افکار و نظریات‌شان را درباره این مسایل با شما در میان بگذارند.

از شبکه‌های داخلی اجتماعی که محدوده وظایف را مشخص و تقسیم می‌کند، در جهت معین کردن مرزهای درک کارکنان از سازمان و کمک به آن‌ها برای یافتن فرصت‌ها و یادگیری، پشتیبانی کنید تا به آن‌ها ارزش بدهند.

به جای یک بار گفت‌وگو در سال درباره اهداف شغل هنگام بازبینی عمل‌کرد سالانه کارمندان، گفت‌وگوهای کوتاه متنوبی در سرتاسر سال درباره هدف‌های شغلی و علاقه‌مندی‌ها داشته باشید. گفت‌وگوهای کاری پیوسته به کارمندان کمک می‌کند که هدف‌های شغلی خود را تصحیح کنند. با فهم بهتری از هدف‌های یادگیری خود، شما و کارمندان‌تان در وضعیت بهتری برای به‌دست آوردن فرصت‌های پرورش‌دهنده هستید.

وقتی برنامه تیم کاری‌تان را طرح‌ریزی می‌کنید، نظر کارکنان‌تان را هم درباره چه‌گونه‌گی همکاری‌شان و هم درباره آن‌چه که مایلند یاد بگیرند، بپرسید. این عمل، مسوولیت اولیه را برای روشن کردن آن‌چه که کارمند مایل است یاد بگیرد و نیز ترکیب کردن آن‌ها با یادگیری‌های در حین انجام کار، به او می‌دهد. همچنین به جلوگیری از داوطلب شدن کارمندان برای وظایفی که در آن‌ها مهارت بالایی ندارند، کمک می‌کند.

از کارمندان بخواهید که به صورت متنوب شما و اعضای تیم کاری را در جریان آن‌چه که آموخته‌اند و طریقه استفاده از دانش و مهارت‌های جدیدشان بگذارند. به خاطر داشته باشید که علاوه بر کمک به رشد کارمندان و دنبال کردن هدف‌های یادگیری معنادار، گفت‌وگوهای معمول کاری به پیشرفت در رشد و توسعه کمک می‌کند. این گفت‌وگوها همچنین یادآور تعهد سازمان به یادگیری کارمندان هستند که البته به نوبه خود تعهد کارمندان را هم بالا می‌برند.

منبع: HBR

بخش بیستم

پایان بازی



فهیم دوستانی

به جلب دوباره کمک‌های مالی غرب حتا در میزان کوچک‌تری - به این کشور بینجامد. با این حال، امکان قد برافراشتن دوباره پاکستان در برابر هندوستان وجود دارد؛ ولی این نکته نیز قابل ذکر است که حالا هندوستان در این میدان رقابت، بسیار از پاکستان پیشی گرفته و به نظر نمی‌رسد که از رشد اقتصادی پاکستان، نگران باشد.

- رابطه با افغانستان:

قبلاً اشاره‌هایی در مورد روابط این دو کشور صورت گرفت؛ ولی در این‌جا با گوشه‌های دیگری از این روابط، تماس گرفته می‌شود. به دلایلی که قبلاً ذکر شد، پاکستان تلاش داشت تا یک دولت دست‌نشانده در افغانستان به‌وجود بیاورد، یا حد اقل افغانستان را در حدی از بی‌ثباتی و بحران نگه دارد که از یک‌سو افغانستان نتواند در مسأله مرزی میان دو کشور، دنبال ادعاهایش را بگیرد و از سوی دیگر، عناصر وفادار به پاکستان، زمینه استفاده از افغانستان برای مقابله احتمالی پاکستان با هند را فراهم کنند.

این تلاش‌ها با عبارت «عمق استراتژیک» در استراتژی منطقه‌یی پاکستان شناخته می‌شود؛ عبارتی که حالا به نظر می‌رسد از استراتژی منطقه‌یی به‌ویژه استراتژی پاکستان در قبال افغانستان حذف شده است.

در اواخر دوره ریاست جمهوری پرویز مشرف (۲۰۰۷) بود که نشانه‌هایی از تلاش برای تغییر استراتژی پاکستان در قبال مسأله افغانستان و چگونه‌گی برخورد با گروه‌های تروریستی نمایان شد.

این بار هم مثل همیشه، ارتش‌های پاکستان بودند که در این مورد باید تصمیم می‌گرفتند؛ ولی در درون ارتش، حلقاتی که طرح جدید را مطرح می‌کردند، در برابر حلقاتی که هنوز به بی‌ثباتی افغانستان و حمایت از گروه‌های افراطی و تروریست مایل بودند، موقعیت ضعیفی داشتند.

این طرح جدید از درک حقیقت‌هایی چون آسیب‌دیده‌گی شدید اعتبار جهانی پاکستان، ضعف‌های اقتصادی، عقب ماندن در رقابت با هندوستان و مبدل شدن گروه‌های تروریستی به تهدیدهای جدی علیه پاکستان و در واقع بیرون شدن برخی از این گروه‌ها از کنترل پاکستان، ناشی می‌شد.

یکی دیگر از عوامل بسیار عمده در این تغییر استراتژیک، موقعیت جدید افغانستان در نوعی مقابله بالمثل با پاکستان بود. هرچند دولت افغانستان پیوسته از این مسأله انکار کرده

است؛ ولی در حقیقت، برخی از گروه‌های تروریستی مخالف پاکستان، در بخش‌هایی از افغانستان (سرحدات شرقی افغانستان با پاکستان و همسایه‌گی‌های بلوچستان پاکستان) پایگاه یافته‌اند و اطلاعاتی هم وجود دارد که از حمایت‌های مالی و تخنیکی دولت‌های افغانستان و هندوستان نیز برخوردارند. در سال‌های بعد، حامیان طرح جدید هم در ارتش و هم در میان سیاسیون درون و بیرون حکومت پاکستان، بیشتر شدند تا جایی که ارتش پاکستان با وجود تنش‌های بزرگ داخلی سیاسی، حاضر به مداخله در امور حکومت نشد؛ چون در صورت مداخله، کار به یک کودتای دیگر می‌انجامید و انزوای پاکستان بیشتر می‌شد و فشارهای حامیان غربی بر این کشور افزایش می‌یافت و تهدیدهای گروه‌های افراطی با استفاده از فرصت تازه‌یی که به دست می‌آوردند نیز شدت می‌گرفت.

حالا به نظر می‌رسد حامیان استراتژی جدید پاکستان، از قدرت و موقعیت برتری برای دنبال کردن این استراتژی، برخوردار شده‌اند.

در حال حاضر، ارتش‌ها و سیاسیون پاکستان تلاش دارند تا استراتژی جدیدشان را برای حامیان‌شان توضیح داده، آنان را قناعت دهند که در این استراتژی خود صادق استند و بالاخره به جلب حمایت آنان در این زمینه بپردازند.

این‌که تغییر استراتژی پاکستان برای بهتر شدن وضعیت در افغانستان است، تصور درستی نیست. پاکستان در واقع برای گریز از بحرانی که مشکلات اقتصادی و تهدیدهای امنیتی برایش فراهم خواهد آورد، تلاش دارد تا حمایت از گروه‌های تروریستی را کنار بگذارد و به ثبات در افغانستان کمک کند. البته در درازمدت این برخورد پاکستان، منفعی را برای افغانستان به بار خواهد آورد.

طی این مسیر برای پاکستان خالی از دشواری نیست؛ ولی با توجه به تحولاتی که قرار است در منطقه ما ایجاد شود، پاکستان راهی جز دنبال کردن این مسیر ندارد و تجربه نشان داده است که پالیسی‌سازان پاکستان، در چنین زمینه‌هایی با موفقیت عمل می‌توانند.

به این ترتیب و با وجود این‌که هنوز در افغانستان به عملکردهای پاکستان هیچ اعتمادی وجود ندارد و از سویی هم پاکستان همچنان تلاش خواهد کرد تا منافعش را در این میان در بالاترین حد تأمین کند، روابط جدید میان پاکستان و افغانستان به‌ساده‌گی و به‌زودی شکل نخواهد گرفت؛ ولی بی‌هیچ تردیدی، چنین روابطی که مبتنی بر همکاری و احترام دوجانبه میان دو کشور باشد، شکل‌گرفته است.



بازی خونین و پیچیده‌ای که نزدیک به نیم قرن در جغرافیایی به نام افغانستان جریان داشت، به پایان خود نزدیک است. این بدان معنا نیست که پایان این بازی به‌زودی و بدون مانع و چالش اتفاق خواهد افتاد؛ ولی این نکته روشن شده که پایان این بازی آغاز گردیده و رفته‌رفته، شدت و سرعت می‌یابد و بالاخره به انجام می‌رسد.

این نوشته یک تحقیق نیست که بر مبنای امار و ارقام یا منابع و اطلاعات ثبت‌شده، استوار باشد؛ بلکه با توجه به معلومات موجود و قابل دسترس برای همه، در ابعاد مختلف، یک تحلیل از وضعیت کنونی و آینده احتمالی افغانستان در پیوند به مناسبات داخلی، نقش‌آفرینی در منطقه و حضور در خانواده جهانی‌ست که نه به عنوان یک پیش‌گویی، بلکه به مثابه یک پیش‌بینی (با تأکید بر تفاوت پیش‌گویی و پیش‌بینی) مطرح می‌شود.

قابل ذکر است که در بخش‌هایی از این نوشته، پرسش‌هایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود که عمدتاً با اشاراتی به بخش‌های دیگر تلاش خواهد شد پاسخ‌ها ارایه شوند؛ ولی یک تصویر جامع، تنها در صورتی به‌دست می‌آید که از آغاز تا پایان، به این نوشته به عنوان یک تحلیل واحد نگریسته شود.

قبلاً اشاره شد که به دلایل مختلف، کمک‌های غربی‌ها به پاکستان کاهش یافته، عرب‌ها نیز دیگر در موقعیتی نخواهند بود که به پاکستان کمک‌های فراوان مالی اختصاص دهند و چین نیز به عنوان یک قدرت بزرگ که دوراندیشی دقیقی دارد، منابع مالی رایگان را در اختیار پاکستان نخواهد گذاشت. چین در برابر هر گونه کمک اقتصادی یا سرمایه‌گذاری در پاکستان، شرایطش را بر این کشور تحمیل خواهد کرد. بخشی از این شرایط به مسایل مبارزه با افراط‌گرایی پیوند دارد و بخشی دیگر هم با رقابت چین و هند رابطه خواهد داشت؛ یعنی پس از این، چین از پاکستان به عنوان مهره‌ای در رقابتش با هند (رقابتی که بیشتر جنبه اقتصادی - سیاسی دارد) استفاده خواهد کرد، و این موقعیت (مهره قرار گرفتن) برای پاکستان نیز خوشایند است؛ چون می‌تواند با استفاده از منابعی که چین در اختیارش قرار می‌دهد، موفق خود را در برابر هند تقویت کند.

به این ترتیب، بهترین راهی که برای پاکستان باقی می‌ماند تا بدون قید و شرط به نوعی توسعه اقتصادی برسد، از طریق شریک شدن در اقتصاد منطقه‌یی است و راه این شراکت، از افغانستان می‌گذرد.

یک برگ برنده دیگر برای شکوفایی اقتصاد پاکستان، احیای حمایت شرکای غربی‌اش است؛ کشورهایی که حالا سودشان را در ثبات افغانستان و منطقه ما می‌بینند و از پاکستان به دلیل حمایت از تروریسم ناراض‌اند یا در ظاهر خود را ناراض نشان می‌دهند. به این دلیل، پایان حمایت پاکستان از این گروه‌ها و حتا تلاش برای مهار آنان، راهی‌ست که می‌تواند

داغ

لاله



جیمزباند

بیست مدرن!

شاهپور عظیمی

سینما هیچ‌گاه معادن طلایش را دور نمی‌اندازد و تا آن‌جا که توانش را داشته باشد، ته‌وتوی این معادن را می‌کاود تا مگر طلایی دستش را بگیرد. یکی از این معادن طلا که عیارش بالا نیست، سری فلم‌های موسوم به جیمزباندی است. در واقع اگر به سبک‌وسایاق «دایی جان ناپلیون» اعتقاد داشته باشیم که کار کار انگلیس است، مأمور مخفی انگلیس موسوم به جیمزباند تا سال‌ها توانست از یک مجموعه اطلاعاتی نام بلندی بسازد تا مگر در برابر سی‌ای‌ای قد علم کند. یان فلمینگ این شخصیت را آفرید و سینما با حضور شان کانری در ۱۹۶۲ و با فلم «دکتر نو» به او جان داد.

جیمزباند تا پیش از این‌که صدایش کنند، انگار درون آب‌نمک خوابیده و گوش‌به‌زنگ است که اتفاق خارق‌العاده‌یی بیفتد و از جلدش بیرون بیاید و با انواع اسباب‌بازی‌های عجیب‌وغریب، از خودکاری که اسلحه است تا ماشینی که در آب هم حرکت می‌کند، از راه برسد و مهار اوضاع را در دست بگیرد و با آدم‌بدهایی بچنگد که بوی روسی بودن ازشان می‌آید. در واقع، جیمزباند به‌نوعی نمادی توانایی غربی‌ها در برابر روس‌ها و جنگ سرد غرب با آن‌ها نیز هست.

شان کانری از بازی در نقش باند بازنشسته شد، اما خود جیمزباند نه. نقش دست به دست شد و راجر مور انگلیسی‌ساز جیمزباند را باور کرد و آن را طوری بازی کرد که کم‌کم باورمان شد که جیمزباند دست‌پرورده ایتلیجنت‌سرویس است. تیموتی دالتن جیمزباند دندان‌گیری از آب درنیامد و ما را امیدوار کرد که بالآخره جیمزباند دست از سر سینما برداشته است. اما شوربخانه یک جیمزباند دیگر وارد شد که سعی کرده کمتر قلابی باشد. دانیل کریگ سعی دارد گاف‌های جیمزباند را بپوشاند اما دم خروس همچنان از زیر لباسش پیداست.

شاید بدترین چیزی که در شخصیت جیمزباند بشود یافت، این است که او همیشه برنده است. انواع و اقسام دام‌های ریزودرشت بر سر راهش کاشته می‌شود اما او جان سالم به‌د می‌برد. به شکلی ناباورانه جیمزباند در انتهای هر فلمش، مانند مخلوق سر آنتون کتان دوپل بار دیگر موفق می‌شود. در مورد شرلوک هلمز می‌توان گفت او حتا می‌میرد اما دوباره زنده می‌شود. دانیل کریگ در نقش تازه‌ترین جیمزباند سینما اما در پی سرپوش گذاشتن بر این نقیصه است.

تازه‌ترین جیمزباند البته حرف‌های مهمی برای گفتن دارد که تنها و تنها سازنده‌گانش قبول دارند که مهم است. در اسکای‌فال کارگردان و نویسنده وانمود می‌کند که کریگ در سومین نقش باندش خیلی واقعی است. در همان ابتدای فلم باند تیر می‌خورد و از بلندی سقوط می‌کند. در این لحظه تیتراژ فلم آغاز می‌شود که بهترین و باورپذیرترین بخش فلم است. ناگهان در این میان پای جودی دنچ به ماجرا باز می‌شود و جیمزباندبازی شکل تازه‌یی پیدا می‌کند و کار به این می‌کشد که بی‌مادری بزرگ‌ترین درد گنگستر شدن است و معلوم نیست تکلیف جیمز کاگنی که در التهاب اثر راثول والش با وجود داشتن مادر گنگستر شده، چیست. نویسنده این فلم برای این‌که سر مخاطب را کلاه بگذارد، ترتیبی می‌دهد تا راثول سیلوا

(خاویر باردوم) دستگیر شود. حتماً او خیال کرده ما باورمان خواهد شد که آدم بد را دستگیر کرده‌اند و حالا او چه‌گونه می‌خواهد فرار کند. خلاصه سرتان را درد نیاورم. ماجرا به خانه قدیمی کشیده می‌شود و پسر بد ماجرا یعنی سیلوا قصد انتقام دارد و جیمزباند هم کار مهمی از دستش بر نمی‌آید و بالآخره از طریق زیرزمین از مهلکه می‌گریزد و باقی ماجراها.

اصلاً مشخص نیست چرا سازنده‌گان این جیمزباند تازه اعتقاد دارند که یک مخلوق تازه روانه بازار کرده‌اند. آیا پیچیده کردن ماجرا و پرداخت روان‌شناسانه اسطوره‌ها و مقادیری هفت‌تیرکشی در شب‌هنگام می‌تواند جیمزباند دیگری خلق کند؟ اصولاً به یاد داشته باشیم که مخلوق‌های اسطوره‌یی سینما (یعنی آن‌هایی که بعدها در چشم مخاطب به اسطوره بدل می‌شوند) نمی‌توانند باورپذیر باشند. بتمن، اسپایدرمن، جیمزباند و دیگران به جهان کامیک‌استریپ‌ها تعلق دارند. این نه به دلیل اعمال خارق‌العاده‌یی است که انجام می‌دهند، بلکه به این دلیل است که منطق کارتونی آن‌ها گنجایش تصویری ندارد. به عبارت دیگر، چنین شخصیت‌هایی نباید روی پرده جان بگیرند، چون مشکل‌شان از همین‌جا شروع می‌شود.

جیمز باند اصطلاحاً مرد عمل است؛ باید از روی پل‌ها بپرد، به یک هلی‌کوپتر آویزان بشود و هزار و یک کار آکروباتیک انجام دهد اما حرف نزنند، تحلیل نکنند، مادر نداشته باشد، دچار غلیان عاطفی نشود و... جیمزباندهای قبلی تا حد زیادی این فرمول نانوخته را رعایت می‌کردند. یک جیمز باند مقوایی پذیرفتنی‌تر از جیمزباندی است که داعیه روشن‌فکرانه دارد. یک جیمزباند روشن‌فکر در دنیای واقعی مانند فیلسوفی مثل نیچه است که ناگهان چشم باز می‌کند و خود را در جهان کامیک‌استریپ‌ها می‌بیند و باید هر لحظه به یک هلی‌کوپتر آویزان بشود یا دختری زیباروی را از دست تبهکاران نجات بدهد و به رئیس مؤنث خودش حساب پس بدهد.

جیمزباندی که فراتر از انتظار ظاهر می‌شود و اکشن‌هایش فدای کهن‌الگوهای مانند مادر می‌شود، دیگر نه این است و نه آن. ترکیب غریب و خنده‌داری است این جیمزباند روشن‌فکر. اگر جیمزباند درگیر پرسش‌های هستی‌شناسانه بشود، دیگر به هیچ سلاح مدرن و فرامردنی دست نخواهد زد. از این منظر، به‌مراتب راجر مور و شان کانری جیمزباندهای معقولی هستند! آن‌ها دست‌کم به جهان خودشان قانع‌اند و به درون جهانی از سنخ جیمزباند جدید ما سرک نمی‌کشند. آن‌ها ناباور بودن جهان پویشالی جیمزباند را «باورانه» بازی می‌کنند و به هر حال لنگ‌لنگان بارشان را به مقصد می‌رسانند. اما با این رویکرد تازه، باید منتظر جیمزباندی باشیم که با یک فیلسوف بحث می‌کند و ایده‌هایی تازه در مورد «جهانی شدن» و داعش و آینده جهان مطرح می‌کند و در همان لحظه خودکاری در جیب دارد که با فشار تکمه‌اش ممکن است بحث جهانی شدن به همراه خود جهان دود بشود و برود هوا.

طرفداران جیمز باند البته شاید بگویند... خُب چه عیبی دارد؟ جیمزباند پست‌مدرن تا به حال ندیده‌ای؟



بیداد رفت لاله بر باد رفته را
یا رب خزان چه بود بهار شکفته را
هر لاله ای که از دل این خاکدان دمید
نو کرد داغ ماتم یاران رفته را
جز در صفای آشک دلم وا نمی‌شود
باران به دامن است هوای گرفته را
وای ای مه دو هفته چه جای محاق بود
آخر محاق نیست که ماه دو هفته را
برخیز لاله بند گلویند خود بتاب
آورده‌ام به دیده گهرهای سفته را
ای کاش ناله‌های چو من بلبلی حزین
بیدار کردی آن گل در خاک خفته را
گر سوزد استخوان جوانان شگفت نیست
تب موم سازد آهن و پولاد تفته را
یارب چها به سینه این خاکدان در است
کس نیست واقف این‌همه راز نهفته را
راه عدم نرفت کس از رهروان خاک
چون رفت خواهی این‌همه راه نرفته را
لب دوخت هر کرا که بدو راز گفت دهر
تا باز نشنود ز کس این راز گفته را
لعلی نسفت کلک درافشان شهریار
در رشته چون کشم در و لعل نسفته را

استاد شهریار



وزارت داخله:

از خیزش‌های مردمی در برابر طالبان حمایت می‌کنیم



وزارت داخله افغانستان می‌گوید برای مقابله با گروه طالبان از خیزش‌های مردمی حمایت می‌کند، اما در بین

افراد غیرنظامی سلاح توزیع نمی‌کند.

پیشتر برخی رسانه‌های خارجی گزارش داده بودند که دولت افغانستان برای مبارزه با شورشیان طالبان در شمال کشور، خواستار همکاری فرماندهان پیشین جهادی شده است.

صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت داخله به خبرنگاران گفت: «در اکثر ولایات مردم در برابر دهشت‌افکنان و دشمن خود ایستاده‌اند و مبارزه می‌کنند. این مبارزه اگر مسلحانه است و غیرمسلحانه، [بناگر آن است که] اراده مبارزه در بین مردم افغانستان وجود دارد.»

او افزود سلاح‌هایی که در این خیزش‌ها استفاده می‌شود، از گذشته نزد مردم باقی مانده و دولت این سلاح‌ها را در اختیار آنها قرار ندهد است.

سخنگوی وزارت داخله همچنین گفت که در سیزده سال گذشته برنامه‌هایی در زمینه خلع سلاح افراد و جمع

آوری سلاح‌های «غیرقانونی» اجرا شده که تا حال هم ادامه دارد.

با وجود این، آقای صدیقی تأکید کرد: «همین که زمینه و فضا برای فعالیت یک تروریست در یک ولسوالی یا یک قریه از سوی مردم افغانستان محدود می‌شود، این خیزش مردمی است و ما از آن کاملاً حمایت می‌کنیم.» به گفته او وزارت داخله روی این موضوع کار می‌کند تا از ظرفیت‌های مردمی در چارچوب پلیس محلی استفاده شود.

در حال حاضر افراد وفادار به فرماندهان سابق جهادی در برخی از ولایات‌های شمالی به‌ویژه قندوز و تخار در برابر طالبان سلاح برداشته‌اند.

هفته گذشته هم ساکنان ولایت بدخشان در همایشی گفته بودند که آماده‌اند علیه طالبان یک گروه هزار نفری تشکیل بدهند.

رئیس‌جمهور غنی:

صلح باید شرافتمندانه، باعزت و پایدار باشد



همچنان سهم بیشتر به جوانان ولایات مشرقی در نهاد های ملکی و نظامی کشور گردیدند.

رئیس‌جمهور غنی پس از شنیدن خواست‌ها و پیشنهادهای مردم ولایات مشرقی گفت که ادارات کشور به تغییرات اساسی نیاز دارند و در پلان صد روز نخست تمرکز بیشتر به وزارت خانه‌ها خواهد بود و در صد روز دوم تمرکز بیشتر به ولایات کشور صورت خواهد گرفت.

اشرف غنی گفت که کار روی پروژه‌های عمرانی ولایات مشرقی به زودی آغاز می‌شود و حکومت خیر پشتونخوا وعده همکاری را در غرض‌های مختلف داده است.

رئیس‌جمهور کشور گفت که صلح هدف اساسی ماست، اما جنگ بالای ما تحمیل شده است، ما در حالیکه به خاطر برقراری صلح در کشور تلاش می‌نماییم، برای جنگ نیز آماده‌گی داریم و باید از ناموس وطن به قوت و عزت حراست کنیم.

او افزود که برقراری صلح در کشور باید شرافتمندانه، باعزت و پایدار باشد.

رئیس‌جمهور غنی در دیدار با شماری از بزرگان ولایت‌های مشرقی گفته است که خواهان صلح با عزت، پایدار و شرافتمندانه هستند.

براساس خبرنامه ارگ، در این دیدار که روز گذشته در ارگ انجام شد، بزرگان ولایت‌های مشرقی خواهان تأمین امنیت، عملی شدن قرارداد های ترانزیتی با پاکستان، احداث سرک حلقوی مشرقی، اعمار پل‌ها و میدان هوایی، احداث خط ریل، جلوگیری از استخراج غیر قانونی معادن و قطع جنگلات، اعمار بند های آبگردان و بند های برق، بازسازی کانال ننگرهار، بازسازی باغ سراج العماره و مقبره امان الله خان، توجه به معارف و بلند بردن ظرفیت دانشگاه‌ها و

او می‌گوید: دولت‌مردان باید مردم افغانستان را در نظر داشته باشند و کاری انجام ندهند که هر روز ملت و مردم از حمایت دولت دور شده بروند و تنها همسایه‌ها خرسند نگه داشته شوند.

در این حال، غلام فاروق مجروح عضو دیگر مجلس نماینده‌گان می‌گوید: «اگر اتهاماتی که بر معصوم ستانکزی وارد است، به اثبات برسد؛ مردم افغانستان و حزب جمعیت اسلامی افغانستان آرام نخواهند نشست.»

آقای مجروح به این باور است که ادعای مطرح شده روحیه نظامیان ارتش را ضعیف خواهد ساخت و اگر این ادعاها به اثبات برسد، سبب فروپاشی ارتش نیز خواهد شد.

همچنان، عبدالحفیظ منصور عضو دیگر مجلس نماینده‌گان می‌گوید: پارلمان در روشنایی اسنادی که وجود داشته باشد می‌تواند تصمیم بگیرد و اگر آقای ستانکزی از طرف دادگاهی مجرم شناخته شده باشد، پیش از گذاشتن صندوق مجلس تصمیم خود را خواهد گرفت.

آقای منصور هم‌چنان می‌گوید که اگر در زمینه روابط آقای ستانکزی با کشورهای بیرونی نیز اسناد و شواهدی بیرون داده شود، مجلس تصمیم خواهد گرفت.

در این حال، شماری از سناتوران نیز می‌گویند معصوم ستانکزی شایسته وزارت دفاع نیست.

عبدالله قزاق منشی مجلس سنا گفت: « آقای ستانکزی برای پست مهم وزارت دفاع شایستگی ندارد و حکومت باید یک جنرال با تجربه و درست را به وزارت دفاع معرفی می‌کرد.»

ماندگار می‌گوید: «آقای ستانکزی یک چهره جنجالی است. در باره او چندین اتهام وارد است، در پیوند به ارتباطش با پاکستان و حادثه‌یی که منجر به شهادت استاد برهان الدین ربانی شد، او یک طرف قضیه است.»

آقای پیمان گفت که نامزد پیشنهادی وزارت دفاع ملی یک آدم علیل است و قادر به پیش برد مأموریت‌هایش نیست.

او تصریح کرد: «من به سخنان خود آقای ستانکزی استشهاده می‌کنم که گفت: من در حادثه‌یی که بالای استاد ربانی صورت گرفت، حواس خود را از دست داده‌ام؛ زخم شدید دارم و از این ناحیه سخت آسیب دیده‌ام. او این موضوع را بار بار در گفت‌وگوهایش گفته است.»

آقای پیمان تأکید می‌کند: در شرایطی که نهادهای امنیتی نیازمند مدیران توانا است، آقای غنی با معرفی چنین چهره‌یی، سلیقه‌یی برخوردار کرده و این جای بسیار تأسف است.

آقای پیمان می‌افزاید: «نمی‌دانم که چرا در شرایط بحرانی کشور هر روز رئیس‌جمهور چهره‌های جنجالی را به نهادهای مهم معرفی می‌کند که در همین پست وزارت دفاع بیشتر افضل لودین را معرفی کرد که بعد از سروصدهای زیاد منصرف شد.»

این عضو مجلس از رئیس‌جمهور غنی می‌خواهد در قبال مسایل ملی افغانستان عقده‌مندانه برخورد نکند. این عضو مجلس خاطر نشان کرد که اگر معرفی آقای ستانکزی به خاطر خرسند نگه داشتن پاکستان صورت گرفته باشد، پس باید این کشور یک پاکستانی را معرفی می‌کرد.

سرتاج عزیز:

برای تأمین امنیت در افغانستان از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنیم



مشاور نخست وزیر پاکستان در امور خارجی و امنیت ملی در دیدار نماینده ویژه سازمان ملل در امور افغانستان گفت: مصمم به ادامه روابط خوب و سازنده با افغانستان هستیم.

براساس خبرنامه وزارت امور خارجه پاکستان، سرتاج عزیز روز سه شنبه در دیدار با نیکلاس هیسام، با وی درباره روابط دوجانبه پاکستان و افغانستان و تلاش‌های اسلام آباد برای کمک به امنیت منطقه‌یی و کمک به امنیت افغانستان به گفت‌وگو پرداخت.

سرتاج عزیز در این دیدار گفت: پاکستان مصمم به ادامه روابط سازنده خود با افغانستان است و برای برقراری امنیت در منطقه به ویژه در افغانستان از هیچ تلاشی دریغ نخواهد کرد.

نیکلاس هیسام نیز در این دیدار، بر ضرورت همکاری‌های منطقه‌یی برای کمک به صلح افغانستان تأکید کرد و گفت که سازمان ملل از تلاش‌های پاکستان در کمک به صلح افغانستان قدر دانی می‌کند.

سرتاج عزیز روز دوشنبه در سخنرانی خود در مراسم افتتاحیه نشست با موضوع افغانستان با عنوان نشست «قلب آسیا» که در اسلام آباد برگزار شد، با اشاره به ضرورت همکاری‌های منطقه‌یی برای کمک به صلح در افغانستان، تأکید کرد که پاکستان دشمنان افغانستان را دشمنان خود می‌داند.

از زمان روی کار آمده دولت کنونی افغانستان به ریاست محمد اشرف غنی، تحولات بزرگی در جهت بهبود روابط دو دولت رخ داده است.

وزرا برنامه‌های صدروزه...

رئیس‌جمهور افغانستان گفت: «در صد روز آینده ما ترتیب بررسی اساسی ارگان‌های عدلی و قضایی خود را تکمیل خواهیم کرد. این بررسی را سرتاسری می‌سازیم تا هم کابل و هم بخش سارنوالی (در ولایات) به صورت اساسی زیر بررسی قرار گیرند.» در بخش بازسازی، رئیس‌جمهور افغانستان گفت قرار است شماری از پروژه‌های بزرگی که تاکنون متوقف مانده بودند، دوباره به فعالیت آغاز کنند. آقای غنی گفت که مشوره با سکوت خصوصی را در روزهای آینده آغاز خواهد کرد تا منجر به تغییر وضعیت ایجاد اشتغال و بهبود وضعیت اقتصادی شود.

نزدیکی مسجد و ارگ نخستین وزیری که برنامه صد روز نخستش را تشریح کرد، فیض محمد عثمانی وزیر حج و اوقاف بود. رئیس‌جمهور افغانستان تأکید کرد که قصد دارد فاصله بین «مسجد و ارگ» را از بین ببرد. غنی گفت: «یکی از اهداف عمده ما کم کردن فاصله بین مسجد و ارگ، بین دولت و مدرسه، بین علمای کرام و قشر سیاسی و اقتصادی افغانستان است.»

وزیر حج و اوقاف افغانستان گفت پس از این عناوین خطابه‌های ملاامان، از طریق پیام‌های تلفونی به آن‌ها فرستاده خواهد شد. تبلیغ علیه دولت در مساجد بخشی از چالش‌هاست که حکومت افغانستان با آن مواجه است. حکومت انتظار دارد که با تعیین موضوعات خطابه‌ها از اظهارات ضد دولتی در مساجد بکاهد.

فیض محمد عثمانی وزیر حج و اوقاف گفت خدمت به علما و مساجد، تسهیل پروسه حج، اصلاحات در این وزارت از برنامه‌های اصلی او خواهد بود. عثمانی افزود که ۷۰۰ بست جدید برای استخدام ملاامان ایجاد شده است.

عثمانی گفت قرار است هیات‌هایی برای تبلیغ به ولایات سفر می‌کنند: «برای جبران بعضی از نقایصی که اگر وجود داشته باشد، ما کمیته‌های سیار مبلغین را تأیید می‌کنیم تا بگردند و تبلیغ کنند.»

خرسندی کابل از هشدار...

پاکستانی و سیاست تازه آن کشور در قبال افغانستان نشان می‌دهد که پاکستان در تأمین صلح با کابل همکاری می‌کند. سخنگوی وزارت خارجه ابراز خرسندی کرد که اسلام آباد به تعهداتش در قبال مبارزه با تروریسم عمل می‌کند.

این اظهارات کابل درحالی صورت می‌گیرد که نبرد طالبان با نیروهای امنیتی افغانستان شدت گرفته است.

گروه تروریستی طالبان جبهات جدیدی را در سراسر کشور باز کرده است.

پاکستان به تازه‌گی برای طالبان هشدار داده است تا هر چه زودتر به حملات بهاری‌شان در افغانستان پایان بدهد.

اسلحه‌شان خاتمه یابد و عقب نشینی کنند، این جنگ یک روزه، دو روزه، یک ماه و دو ماه نیست.» صافی گفت: در صفوف طالبان جنگجویان خارجی به شمول اعضای جنبش نهضت اسلامی ازبکستان هم شامل اند. این نهضت روابط طولانی با طالبان و القاعده دارد و به داعش بیعت کرده است.

صافی گفت: نشانه‌های هشدار دهنده‌یی از افزایش حضور داعش در شمال افغانستان موجود است و جنگجویان بیرق‌های سیاه داعش را در بعضی قریه‌ها بلند کرده اند و در بین جنگجویان کشته شده اجساد جنگجویانی از ترکیه، چین، ازبکستان، تاجکستان و قرغزستان دیده شده‌اند.

در کنار نیروهای امنیتی می‌جنگند گفت: آنها مجاهدین سابق هستند که برای تأمین امنیت مناطق‌شان دست به کار شده اند.

او گفت: «آنها به این دلیل که به همکاری‌شان ضرورت بود، به شکل داوطلبانه آماده شده اند؛ آنها کسانی اند که برادران یا دیگر اعضای خانواده‌های شان در اردوی ملی شامل اند، برای تأمین امنیت مناطق‌شان و حمایت از نیروهای اردو و پولیس ملی آماده شده اند که علیه مخالفین مبارزه کنند.»

والی کندز همچنان گفت: دشمن را در هرجا محاصره کرده اند و به آنها اجازه پیشروی نخواهند داد.

او گفت: «شاید آنها با گذشت زمان ضعیف شوند،



رنال مادرید، قتلگاه مریبان

مریبری در رنال مادرید یکی از پیچیدهترین شغل های جهان است و هیچ رحمی ندارد. فرقی ندارد بعد از بیشتر از یک دهه این تیم را به قهرمانی در لیگ قهرمانان و دسیما (دهمین قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا) رسانده باشی یا یک فصل در روزهای آخر از رسیدن به جام محروم شوی.

کارلو آنچلوتی سرمربی ایتالیایی که در یک سال و نیم اول حضورش در رنال کارنامه فوق العاده ای داشت، به لطف ناکامی هایی که علت اصلی آن ضعف مدیران باشگاه در بستن تیم و نبود آلترناتیوهای مناسب برای مصدومان بود، با اعلام رسمی فلورنتینو پرس اخراج شد.

پرس از هفته گذشته تصمیم به اخراج آنچلوتی و استخدام بنیتس گرفته بود و فشار هواداران و بازیکنان نیز در تصمیم وی کارساز نشد و مربی سابق والنسیا با اتمام کارش در ناپولی در رنال مشغول به کار می شود.

آنچلوتی همیشه اوج دوران مریبری را کار در رنال می دانست. کارلتو حاضر شده بود که با وجود بیماری خطرناکش در یک سال باقی مانده از قراردادش، عمل جراحی خود را به یک سال دیگر موکول کند اما پرس، کارلو را مثل دل بوسکه، کی روش، کاماچو، گارسیا رمون، لوکزامبورگو، لوپس کارو و پلگرینی قربانی کرد تا فصل آینده با خریدهای پرطمطراق دهان هواداران را ببندد و البته نقش خود را در فصل بدون جام رنال بی تاثیر بداند.

آنچلوتی، مردی که رؤیای دوازده ساله مادریدسموها را به تحقق رساند و دسیما را بدست آورد، همان مریبری است که بایرن مونیخ مغرور را در خانه اش تحقیر کرد. آن هم در حالی که رنال در کل تاریخ خود در مونیخ ناکام مانده بود. کارلو همان مریبری است که شکست ۴-۰ از لیورپول را جبران کرد و سرخ ها را در خانه خودشان آنگیلد با یک پیروزی ۳-۰ تحقیر کرد. او همان مریبری



است که بدون پنج مهره کلیدی اتلتیکو را از لیگ قهرمانان اروپا اوت کرد تا برای دو سال پیاپی حسرت را بر دل اتلتیکو بگذارد. کارلو مرد دسیما بود، مردی که قربانی امیال موجودی به نام پرس شد. کسی که به عشق تبلیغات، مهره های اصلی دسیما را فروخت و برایشان جایگزینی هم نخرید.

حالا چیزی که قابل پیش بینی است این است که احتمالاً پرس با چند خرید کهکشانی مثل پوگبا یا رویس، سر هواداران را گرم می کند تا کسی یاد زحمات کارلتو نیافتد. مردی که تا زمانی که تیم کاملش را داشت، رکورد جاودانه ۲۲ برد پیاپی را ثبت کرد و حتی زمانی که تیم کاملش بدون مودریچ، بنزما و بیل را در اختیار داشت جانانه تا پایان لالیگا جنگید و فقط دو امتیاز تا قهرمانی کم آورد.

کارلتو قول بازی زیبا را داده بود و به قولش هم عمل کرد. زدن ۱۱۸ گل در یک فصل لالیگا فقط در دو فصل در تاریخ تکرار شده است. بازی هایی مثل بایرن و فینال کوبا در فصل قبل و بارسا و لیورپول در همین فصل به سختی از خاطر مادریدسموها خواهد رفت. حمایت جانانه هواداران از آنچلوتی در روزهای اخیر هم نشان می دهد که هر چقدر هم مدیر رنال جاه طلب و زیاده خواه باشد، هواداران مزد زحمات هر شخص را می دهند.

حالا آنچلوتی می تواند یک سال استراحت کند و با خیال راحت عمل جراحی گردنش را انجام بدهد. عملی که اگر دیرتر انجام می شد ممکن بود که سلامتی اش را دچار خطر جدی کند. گزینه اصلی پرس، بنیتسی است که پس از لیورپول کارنامه قابل قبولی نداشته اما انگیزه زیادی دارد تا در بازگشت به رنال پس از بیست سال خودی نشان بدهد. کسی که در دوران بازیگری نتوانست از دسته سوم اسپانیا فراتر برود اما امیدوار است که خاطرات خوش لیورپول و جام هایش در این تیم را در برنابئو تکرار کند.

آرایش جدید تیم ملی فوتبال افغانستان



خشنودی می کنند و باور دارند که این تیم در مسابقات آسیایی نتیجه خواهد گرفت.

علی عسکر لعلی معاون مربی تیم ملی فوتبال گفته است که پیوستن بازیکنان جدیدی مانند شبیر یوسفی، سباوون قیومی، عصمت شنواری، انوش دستگیر، سید محمد، فردین حکیمی، انور، نوید ندیم، نورالله امیری و مدثر ذکریا در جمع بازیکنان سابق تیم ملی و همچنان آماده شدن منصور فقیر یار امیدواری های ما را در ساختن یک تیم هماهنگ، پر قدرت و با انگیزه زیاد ساخته است.

تیم ملی فوتبال کشور عصر جمعه در یک بازی دوستانه به مصاف تیم لائوس می رود. این بازی به صورت زنده از شبکه های طلوع و لمر پخش خواهد شد.

ماندگار: تیم ملی فوتبال افغانستان با یک ترکیب تازه برای بازی های مقدماتی جام ملت های آسیا آماده می شود.

این تیم تحت رهبری مربی آلمانی خود از تاریخ ۲۳ ماه می تمرینات خود را در بحرین آغاز کرده است.

در این اردوگاه تمرینی، ۲۸ بازیکن را آقای اسکلیزیچ سرمربی تیم ملی فوتبال کشور دعوت کرده است.

در کنار برخی بازیکنان داخلی، شماری از بازیکنان تازه نیز از کشورهای اروپایی و آمریکایی به تیم ملی پیوسته اند.

مسوولان فدراسیون فوتبال افغانستان از ترکیب جدید تیم ملی کشور ابراز

انتقاد سخت آلوس از سران بارسا:

بارسا باشگاه مناسبی برایم نیست!

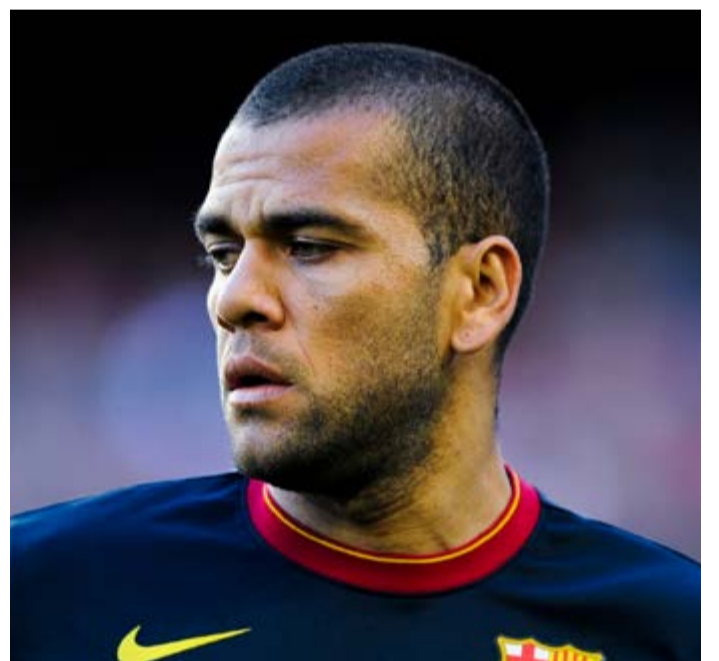
در سال جاری چیزهای بسیاری را تحمل کردم. باوه گویی های زیادی شنیدم. دیگر چاره ای جز صحبت کردن ندارم چون احساس می کنم که به من بی احترامی می شود. هر چیزی حد و مرزی دارد و نباید از آن فراتر رفت.

او ادامه داد: وقتی من می گویم مورد بی احترامی قرار گرفته ام منظور سخنانی است که هیأت مدیره درباره ام بر زبان می آورند. آنها می گویند که من آدم پول پرست و به دنبال پول بیشتری هستم اما باید بگویم که اصلاً اینگونه نیست. تنها چیزی که من به دنبال آن هستم احترام و قدردانی است. اگر قرار است که آنها از من قدردانی نکنند پس باید بگویم که اینجا باشگاه مناسبی برای من نیست. باشگاه بارسلونا آن گونه که شایسته و بایسته است با من برخورد نمی کند.

او ادامه داد: رییس باشگاه به خوبی می داند که چگونه باید با من برخورد بکند اما این کار را نمی کند. الان باید اعتراف کنم که عقل و پاهای من خارج از باشگاه بارسلونا است با این حال با این تیم قرارداد دارم و باید به آن پایبند باشم. باشگاه بارسلونا تنها سه، چهار ماه آن هم به خاطر بهتر شدن بازی من تلاش کرد تا قرارداد را تمدید کند. من ۷ فصل است که در بارسلونا بازی می کنم و باید نگاهی عادلانه به من داشته باشند. در شرایط کنونی تنها به قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا فکر می کنم. امیدوارم که بتوانم با بارسلونا تاریخ ساز شوم بعد از آن تصمیم نهایی خود را اعلام خواهم کرد.

آلوس درباره رابطه خود با لوئیس انریکه گفت: سرمربی تیم از عملکرد من راضی است. اگر انریکه به من اعتماد نداشت الان همه چیز به هم ریخته بود. درباره آینده ام با انریکه صحبت نکردم. هنوز زمان کافی برای این کار را دارم. این بازیکن برزیلی به این سوال که آیا باشگاه جدید خود را انتخاب کرده است، اینگونه پاسخ داد: نه فعلاً به این موضوع فکر نمی کنم. هنوز نمی دانم که آیا در بارسلونا باقی می مانم یا از این تیم جدا می شوم. در هر حالت بارسلونا در قلب من باقی خواهد ماند. سال های فراموش نکردنی را در این تیم پشت سر گذاشته ام. من پیش از این با رئیس باشگاه صحبت کرده ام و به او گفتم که دوست دارم در بارسلونا باقی بمانم چرا که دوست ندارم به آینده فکر کنم.

آلوس در پایان سخنان خود به ستایش از ژاوی پرداخت و درباره او گفت: من افتخار می کنم که در کنار بازیکن بزرگی چون ژاوی بازی کرده ام. براین باورم که بازیکن دیگری چون او ظهور نخواهد کرد.



ستاره برزیلی بارسلونا سکوت خود را شکست. او به انتقاد از رفتار سران آبی-اناریها با او پرداخت و تاکید کرد که ماندن یا جدایی او از آبی-اناریها در حاله ای از ابهام است.

دنی آلوس از بازیکنانی است که وضعیت او در بارسلونا در حاله ای از ابهام است. هنوز معلوم نیست که آیا آبی-اناریها او را می خواهند یا اینکه با جدایی اش موافقت خواهند کرد. سیاست نامعلوم سران آبی-اناریها در برخورد با این بازیکن برزیلی باعث ناراحتی او شده است.

آلوس سرانجام سکوت خود را شکست و به انتقاد از سران بارسلونا پرداخت و آنها را به بی احترامی به او متهم کرد.

این بازیکن برزیلی که بیشترین تعداد بازی را با پیراهن آبی-اناریها دارد، گفت:

Mandegar

اردوغان:

چاه‌های نفت در دست داعش است



رئیس جمهوری ترکیه در نشست بین‌المللی حوزه انرژی از این فرصت استفاده کرد و انگیزه‌های داعش برای «عملیات مداوم نفتی» در منطقه را زیر سوال برد. به نوشته روزنامه حریت، رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه در ششمین مجمع جهانی کنترل انرژی در استانبول گفت: اگر انسانیت نباشد، نفت هیچ ارزشی ندارد. اگر بشریت باشد، آب هم ارزشمند است. کل جهان باید بداند که این سیستم بی‌رحمانه نمی‌تواند در قرن بیست و یکم ادامه یابد. هم اکنون چاه‌های نفت در دست داعش است.

وی افزود: من متعجبم که داعش برای چه کسانی از این حلقه‌های چاه استفاده می‌کند. آنها درآمد چشمگیری از این چاه‌های نفت دارند. باید این نکته را در نظر داشت که اقتصاد جهانی نمی‌تواند بدون احترام به شرافت بشریت و عدالت و بدون در نظر گرفتن اهمیت دادن به کشورها و مردم به رفاه دست یابد.

در اواسط ماه می و شش ماه پس از آنکه بغداد اعلام کرد که شبه نظامیان داعش را از بزرگترین پالایشگاه نفت عراق عقب رانده است، این گروه افراطی بار دیگر تهدید کرد که این تاسیسات را اشغال می‌کند.

مودی، سیاستمداری که از قدرت عکس و رسانه به خوبی آگاه است



به نظر می‌رسد نخست‌وزیر هندوستان کاملاً به قدرت و تاثیر عکس آگاهی دارد.

به گزارش خبرگزاری آسوشیندپرس، عکس سلفی با لی کچیانگ، نخست‌وزیر چین، عکسی از در آغوش گرفتن باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا تنها چند دقیقه پس از فرود هواپیمایش در فرودگاه دهلی‌نو و جارو زدن خیابان‌های دهلی برای برجسته کردن کمپین ملی پاکیزگی، بخشی از تصاویر و عکس‌هایی هستند که وی در یک سال دوران نخست‌وزیری‌اش گرفته است.

انتخاب لباس‌هایی که مودی می‌پوشد نیز باعث جلب توجه در مجامع دیپلماسی بین‌المللی می‌شود. لباس سنتی، بلند و رنگارنگ هندوها که نخست‌وزیر هندوستان به تن می‌کند به شدت باعث جلب توجه جهانیان می‌شود. بر روی نوارهای باریک دوخته شده بر روی لباس سیاه‌رنگش که در مراسم جای با اوباما در دهلی به تن داشت نام خودش نوشته شده بود. تخمین زده می‌شود که دوخت آن لباس یک میلیون روپیه هزینه داشته اما مودی با به حراج گذاشتن این لباس به قیمت ۷۰۰ هزار دالر ذهنیت منفی عوام هندوستان را تغییر داد و این پول را برای پاکسازی رودخانه بسیار کثیف گنگ صرف کرد.

نخست‌وزیر هندوستان به قدرت رسانه پی برده و می‌داند برای جلب نظر بیشتر باید تصاویر خوبی انتخاب کند حتی پیش از انتخاب به عنوان نخست‌وزیر هم این را می‌دانست. وی به عنوان سرویز سابق ایالت گجرات هندوستان، برای مبارزات انتخاباتی یک تصویر بزرگ با نوشته‌های مرتبط از خودش را در تابلوهای انتخاباتی ده‌ها شهر و روستا نصب کرد.

مودی همچنین یکی از سیاستمداران هند است که بیشترین استفاده را از رسانه‌های اجتماعی می‌کند و در فیس‌بوک، گوگل پلاس، توئیتر و اینستاگرام عضو است. وی در فیلپیکر و پیترست تصویر و عکس می‌گذارد و پیش از سفرش به چین که قرار است ماه جاری میلادی صورت گیرد عضو سایت میکرو بلاگ چین «ویبو» شده است.

اشغال بزرگترین معدن فسفات سوریه توسط داعش



منابع سوری اعلام کردند که داعش بزرگترین معدن فسفات سوریه در پالمیرا را به اشغال خود درآورده و این معدن می‌تواند منبع درآمدزایی خوبی برای تروریست‌ها باشد.

به گزارش پایگاه اینترنتی شبکه خبری الجزیره، منابع مذکور تصریح کردند که تروریست‌های داعش معدن «فسفات خنیفیس» را اشغال کردند که از نظر تولید فسفات در سوریه، بزرگترین معدن به شمار می‌آید.

استخراج از این معدن که در جنوب غرب شهر پالمیرا در منطقه بیابانی مرکز سوریه قرار دارد سالانه به ۸۵۰ هزار تن می‌رسد.

در همین راستا، دیده‌بان حقوق بشر سوریه اعلام کرد که داعش با کنترل بر این معدن، مساحت‌های جغرافیایی گسترده‌تری که دارای اهمیت اقتصادی زیادی است، اشغال کرد.

داعش در پنجشنبه گذشته شهر پالمیرا را اشغال کرد که در فهرست میراث جهانی قرار دارد.

پاپ ۲۵ سال است تلویزیون ندیده است!

پاپ فرانسیس اذعان کرد که وی ۲۵ سال است حتی برای دیدن بازی فوتبال تیم محبوبش تلویزیون تماشا نکرده است.

به نوشته روزنامه دیلی تلگراف، پاپ فرانسیس آرژانتینی، رهبر کاتولیک‌های جهان می‌گوید آخرین باری که تلویزیون تماشا کرده است به سال ۱۹۹۰ بر می‌گردد و پس از آن تصمیم گرفته که «این کار من نیست» و تماشا کردن آن را کنار گذاشته است.

وی می‌گوید حتی برای فهمیدن نتیجه بازی فوتبال تیم محبوبش، سن‌لورنزو، از محافظان سویسی‌اش می‌پرسد؛ محافظانی که هر هفته از نتایج بازی‌های این تیم جدولی ترتیب داده و به او تحویل می‌دهند.

پاپ همچنین اعتراف کرد که تنها یک روزنامه می‌خواند و آن هم روزنامه ایتالیایی «لا ریپوبلیکا» است.

رهبر کاتولیک‌های جهان در پاسخ به سوالی درباره زندگی گذشته‌اش گفت: گاهی دلم برای پیاده روی آزادانه در خیابان‌ها و رفتن به پیتزا فروشی تنگ می‌شود!

وی سپس درباره زندگی‌اش به عنوان یک پاپ اظهار کرد: من هر شب تقریباً ساعت ۹ به رختخواب می‌روم و بعد از یک ساعت مطالعه تا چهار صبح می‌خوابم، این ساعت طبیعی بدن من شده است.



روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر



نارسیده به منزل یا دفاتر
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵